

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
گروه فلسفه تعلیم و تربیت

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

عنوان :

بررسی و تحلیل تطبیقی مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری
اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر سعید ضرغامی

استاد مشاور:

دکتر سوسن کشاورز

دانشجو :

کبری احمدوند

دی ماه 1390

به نام خدا

دانشگاه تربیت معلم تهران

گروه فلسفه تعلیم و تربیت

این پایان نامه تحت عنوان " بررسی و تحلیل تطبیقی مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران " توسط خانم کبری احمدوند دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در روز دوشنبه 1390/10/26 به منظور اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت در سالن آمفی تئاتر (کرج) با حضور هیأت محترم داوران مورد دفاع قرار گرفته و پس از دفاع پایان نامه مذکور با نمره 18/86 با عدد و با حروف ((هجده وهشتادوشش صدم)) و با درجه عالی مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت.

هیأت داوران:

استاد راهنما: دکتر سعید ضرغامی

استاد مشاور: دکتر سوسن کشاورز

استاد داور: دکتر یحیی قاندي

مدیر گروه فلسفه تعلیم و تربیت و نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر یحیی قاندي

تقدیم به

اسوه صبر و تلاش پدرم و دریای محبت و ایثار مادرم
والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر
بودنم چرا که این دو وجود پس از پروردگار مایه هستی ام بوده‌اند دستم را
گرفتند و راه رفتن را در وادی پر از فراز و نشیب زندگی به من آموختند.
آموزگارانی که برایم زندگی؛ بودن و انسان بودن را معنا کردند....

تقدیر و تشکر

شکرو سپاس و منت و عزت خدای را پروردگار خلق و خداوند کبیریا
دادار غیب دان و نگهدار آسمان رزاق بنده پرور و خلاق رهنما

بر خود لازم می‌دانم از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر سعید ضرغامی که هدایت این پژوهش را برعهده داشته و با بزرگواری و سعه صدر از هرگونه مساعدت دریغ نوزیدند صمیمانه تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم.

از استاد مشاور سرکار خانم دکتر سوسن کشاورز که با تذکرات موثر خود راهنمایی‌های ارزشمندی برای بهبود تحقیق ارائه نمودند صمیمانه تشکر و قداری می‌کنم. و هم چنین از محبت‌های استاد بزرگوار جناب آقای دکتر یحیی قانیدی که داوری پایان نامه برعهده داشته صمیمانه تشکر و قداری می‌نمایم.

در پایان از خانواده عزیز که همواره پشتیبانم بوده‌اند، به خاطر زحمات‌های بیشماری که برایم کشیده‌اند و مایه دلگرمی و امیدم بوده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنم.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. سوالات تحقیق عبارتند از: مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی کدامند، شباهت ها و تفاوت های این مکتب با فلسفه تعلیم و تربیت اسلام ایران کدامند. در این تحقیق از روش تحلیل تطبیقی از رویکردهای پژوهش کیفی و نظری استفاده شد. ابتدا مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی در چهار بخش هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی تحلیل شد. و سپس با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می دهد که در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران خداوند در کانون هستی قرار دارد ولی لیبرالیسم آموزشی انسان محور است. لیبرالیسم آموزشی تجربه گرا و خردگرا است اما فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تجربه و خرد به وحی نیز توجه دارد. در لیبرالیسم آموزشی ارزشها نسبی هستند اما در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران برخی ارزش های مطلق وجود دارند. در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران به تمام ابعاد وجودی انسان و شئون مختلف فردی و اجتماعی او توجه می شود. در این مکتب انسان سرشتی الهی دارد زیرا آدمی در اعماق وجود خود معرفت و احساس نسبت به مبدا قدسی دارد. تعلیم و تربیت لیبرال از مبانی لیبرالیسم تبعیت می کند و هدف تربیت فرد براساس طبیعت اوست. لیبرالیسم برای فرد و خواسته های او که آزادی در راس آن قرار دارد اهمیت خاصی قائل است. لیبرالیسم آموزشی تجربه گرا و خردگرا و در جهت رشد ذهنی فرد تلاش می کند. این مکتب به غایت مندی جهان توجهی ندارد. نهایت اینکه هر دو دیدگاه به عقل و اندیشه توجه داشته و بر ابتکار و خودباوری و شکوفا شدن استعدادها تاکید می ورزند گرچه نوع توجه آن ها متفاوت است.

واژگان کلیدی: لیبرالیسم آموزشی، فلسفه تربیت، فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: کلیات تحقیق

1	مقدمه
3	بیان مسأله
9	ضرورت انجام تحقیق
10	اهداف تحقیق
10	سوال های تحقیق
10	تعریف اصطلاحات

فصل دوم: ادبیات تحقیق

الف- مبانی نظری

بخش اول:

15	مقدمه
15	فلسفه
15	فلسفه تربیت
18	1-2 فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران
17	1-1-2 درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
20	- مبانی (نوع 1)، هدف غایی و مفهوم تعلیم و تربیت
20	- اهداف واسطی، مبانی (نوع 2) و اصول تعلیم و تربیت
20	- مبانی (نوع 3) و روش های تعلیم و تربیت
20	- مبانی نوع 1، غایت و مفهوم تعلیم و تربیت
21	- مبانی نوع 1 هستی شناختی
24	- اهداف واسطی، مبانی نوع 2 و اصول تعلیم و تربیت
25	- مبانی نوع 2 و اصول تعلیم و تربیت
25	- مبانی نوع 2 انسان شناختی
29	- مبانی نوع 2 معرفت شناختی
34	- مبانی نوع 2 ارزش شناختی

41	2-1-1-2- طرح «فلسفه تعلیم و تربیت رسمی از دیدگاه اسلام».....
41	ضرورت همراهی تحول نظام آموزشی ایران با تحول بنیادین.....
42	رابطه فلسفه با تربیت، سه رویکرد استنتاجی، تحلیلی و ایدئولوژیک.....
45	مبانی فلسفی تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام.....
47	3-1-2- فلسفه تربیت رسمی و عمومی.....
48	فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران.....
48	1- مبانی اساسی تربیت.....
55	مفروضات فلسفه تعلیم و تربیت.....
	بخش دوم:
56	2-2-1- معنای لیبرال و لیبرالیسم.....
56	2-2-2- تعریف لیبرالیسم.....
57	2-2-3- سیر تاریخی لیبرالیسم.....
64	2-2-4- ابعاد لیبرالیسم.....
64	2-2-4-1- لیبرالیسم فلسفی.....
64	2-2-4-2- لیبرالیسم سیاسی.....
64	2-2-4-3- لیبرالیسم فرهنگی.....
65	2-2-4-4- لیبرالیسم اقتصادی.....
65	2-2-5- مولفه های لیبرالیسم.....
65	2-2-5-1- فرد و فردگرایی.....
67	2-2-5-2- آزادی.....
70	2-2-5-3- روشنگری.....
71	2-2-5-4- سکولاریسم.....
73	2-2-6- تاریخچه آموزش و پرورش لیبرال.....
79	2-2-6-1- مریان بزرگ تعلیم و تربیت لیبرال.....
79	افلاطون.....
81	ارسطو.....
82	جان هنری نیومن.....

86.....	متیوآرنولد
87.....	مایکل اوک شات
89.....	پیترز
93.....	هرست

ب - پیشینه تحقیق

95.....	سابقه علمی پیشینه تحقیق در ایران و خارج از کشور
95.....	پیشینه‌ی داخلی
99.....	پیشینه‌ی خارجی

فصل سوم: روش تحقیق

104.....	مقدمه
104.....	1-3- روش انجام تحقیق
105.....	2-3- روش گردآوری اطلاعات
105.....	3-3- نوع تحقیق

فصل چهارم: یافته های تحقیق

108.....	مقدمه
	پاسخ به سوال اول :
108.....	1-4- مبانی فلسفی لیبرالیسم آموزشی کدام است؟
108.....	1-1-4- مبانی هستی شناختی لیبرالیسم آموزشی
109.....	1-1-1-4- جدایی انسان از طبیعت
110.....	2-1-1-4- جدایی انسان‌ها از یکدیگر
111.....	2-1-4- مبانی معرفت شناختی لیبرالیسم آموزشی
112.....	1-2-1-4- روش های کسب معرفت از نظر تجربه گرایان
114.....	2-2-1-4- روش های کسب معرفت از نظر عقل گرایان
116.....	3-2-1-4- مبنای ارتباط دانش باواقعیت
117.....	3-1-4- مبانی ارزش شناسی تعلیم و تربیت لیبرال
119.....	1-3-1-4- مبنای عقلانیت

- 120..... 2-3-1-4 مبنای خودگردانی
- 121..... 3-3-1-4 مبنای عدالت
- 123..... 4-3-1-4 مبنای تساوی حیثیت و حرمت
- 123..... 5-3-1-4 مبنای اهمیت دانش برای ذهن
- 125..... 6-3-1-4 مبنای آزادی
- 126..... 7-3-1-4 اخلاق شناسی لیبرالیسم آموزشی
- 129..... 8-3-1-4 زیبا یی شناسی در تعلیم و تربیت
- 131..... 4-1-4 مبنای انسان شناسی لیبرالیسم آموزشی
- 135..... 1-4-1-4 مبنای درهم تنیدگی روح و جسم
- 136..... 2-4-1-4 مبنای آزادی خواهی افراطی
- 136..... 3-4-1-4 مبنای خود محوری در مدیریت اجتماعی
- 136..... 4-4-1-4 مبنای حاکمیت امیال

پاسخ به سوال دوم:

- 2-4- شباهت ها و تفاوت های مبنای فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران کدامند؟
- 138..... 1-2-4 مبنای هستی شناختی
- 138..... 1-1-2-4 خدا در رأس یا کانون هستی
- 140..... 2-1-2-4 غایتمندی جهان
- 141..... 2-2-4 مبنای معرفت شناختی
- 141..... 1-2-2-4 مبنای عقلانیت
- 147..... 2-2-2-4 مبنای مطابقت علم با واقع
- 147..... 3-2-2-4 مبنای قسم یا اقسام حقیقی علم
- 149..... 3-2-4 مبنای انسان شناختی
- 149..... 1-3-2-4 مبنای درهم تنیدگی روح و جسم
- 150..... 2-3-2-4 مبنای هویت جمعی

152.....	3-2-4-3 - مبنای فطرت
153.....	4-3-2-4 - مبنای اراده و اختیار
153.....	4-2-4 - مبنای ارزش شناختی
153.....	1-4-2-4 - مبنای عدالت
155.....	2-4-2-4-4 - مبنای آزادی
160.....	3-4-2-4 - مبنای ارزشمندی فی نفسه کسب دانش
161.....	4-4-2-4 - مبنای ثبات و تغییر در ارزشها
162.....	5-4-2-4 - مبنای ارزش ابزاری طبیعت
163.....	6-4-2-4 - مبنای کرامت انسان
164	7-4-2-4 - مبنای زیبایی شناختی

فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری

167.....	خلاصه و نتیجه گیری
175.....	محدودیت‌های پژوهش
175.....	پیشنهادات
176	منابع و مأخذ
176.....	الف - منابع فارسی
183.....	ب - منابع انگلیسی

جدول 1: مبانی نوع 2 تعلیم و تربیت	38
جدول 2: برخی از مبانی نوع 3 تعلیم و تربیت	40
جدول 3: مفاهیم تعلیم و تربیت	46
جدول 4: مبانی تربیت	49
جدول 5: مهم ترین مبانی اساسی تربیت	50
1-5. جدول مبانی هستی‌شناختی	51
2-5. جدول مبانی انسان‌شناختی	51
3-5. جدول مبانی معرفت‌شناختی	52
4-5. جدول مبانی ارزش‌شناختی	53
5-5. جدول مبانی دین‌شناختی	54
جدول 6: سیر تحول لیبرالیسم	63
جدول 7-1: مبانی معرفت‌شناسی لیبرالیسم آموزشی	117
جدول 7-2: مبانی ارزش‌شناسی لیبرالیسم آموزشی	131
جدول 7-3: مبانی انسان‌شناسی لیبرالیسم آموزشی	137

فصل اول

کلیات تحقیق

از دیرباز تاکنون پاسخ های مختلفی به این سؤال که فلسفه چیست داده شده است. با یک بررسی اجمالی این پاسخ ها را می توان به دو گروه تقسیم کرد. دسته ای فلسفه را مجموعه ای از آراء و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلسفی می دانند. حاصل این نگرش پدید آمدن رشته فلسفه در دانشگاه ها و مطالعه تاریخ اندیشه فیلسوفان است؛ دسته دوم فلسفه را عبارت از عمل فلسفی می دانند و به عبارت دیگر فیلسوف را کسی نمی دانند که پر از اندیشه های فلسفی دیگر فیلسوفان باشد، بلکه او را کسی می دانند که فلسفی اندیشه کند؛ در صورتی که بخواهیم این دو دسته را مورد نقد قرار دهیم، باید به چه معیاری مراجعه کنیم؟ برای این کار باید به معنای حقیقی فلسفه رجوع کرد. آغازگر حقیقی فلسفه سقراط بود و به عنوان فیلسوف اول، گرچه نه دعوی دانایی کرد و نه نظریه ای آورد، اما در پی سنجش بنیادی و خردمندانه آراء و عقاید بود. کار سقراط همانا برانگیختن توجه فرد به شناختن خود و بیدار کردن طبیعت خود اوست (نقیب زاده، 1377، ب، ص 38).

حوزه معرفتی فلسفه تعلیم و تربیت، فارغ از تعاریف بسیار متنوع و گوناگونی که درباره ی آن وجود دارد (نلر، 1356؛ اسمیت، 1370؛ هیر و پرتلی، 1374؛ بهشتی، 1385)، از دو منظر کلی قابل بررسی است: از منظر اول، این حوزه معرفتی به مثابه ی قلمروی در طرح دیدگاه ها و نظریات فلسفی درباره ی تعلیم و تربیت محسوب می شود که سابقه ای به اندازه ی تاریخ تفکرات بشری دارد. در این خصوص، اندیشمندان و فیلسوفان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم دیدگاه هایی درباره ی مبانی، اهداف، اصول، روش ها، و نظام تعلیم و تربیت ارائه کرده اند. از منظر دوم، این حوزه معرفتی به مثابه ی رشته ای دانشگاهی طی چند دهه ی اخیر در برخی کشورهای پیشرفته ی سه قاره ی اروپا، آمریکا، و اقیانوسیه به وجود آمده و رشد کرده است (بهشتی، 1385).

همان طور که گفته شد فلسفه تعلیم و تربیت به مثابه ی قلمروی در طرح دیدگاه ها و نظریات فلسفی درباره ی تعلیم و تربیت سابقه ای به اندازه ی تاریخ تفکرات بشری دارد. از این رو، بررسی تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت به موازات بررسی تاریخ تفکرات بشری دارای گستره و امتداد است. از زمانی که آدمی به اندیشه ی منظم و منسجم پرداخته است، به نحوی در پی پاسخ به مسائل آموزش و پرورش به معنای عام آن نیز بوده و دیدگاه هایی در این باب نیز داشته است.

در عرصه تاریخ تعلیم و تربیت همواره شاهد شکل‌گیری نظریات و اندیشه‌هایی بوده‌ایم که هر یک پاسخگوی مشکلات مقطع خاصی از تاریخ بوده‌اند؛ بدین ترتیب اندیشمندان حوزه تربیت که بر رأیی خاص اتفاق نظر داشته‌اند، مکتب‌هایی تربیتی به وجود آورده‌اند (هرچند که ممکن است در برخی از آن‌ها نقاط افتراقی در زمینه‌های تربیتی وجود داشته باشد). در تاریخ تعلیم و تربیت مکاتب فلسفی متعددی که یکی از آن‌ها لیبرالیسم است. لیبرالیسم از مکاتب پرنفوذ فلسفی غرب است. این مکتب در زمینه‌های فلسفی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی (تعلیم و تربیت) دارای اصول و مبانی ویژه‌ای می‌باشد. این دیدگاه برای آزادی فردی اهمیت خاصی قائل است و در مفهومی وسیع بر این معنا دلالت می‌کند که انسان آزاد به دنیا آمده و صاحب اراده و اختیار است. تربیت آزاد (لیبرال) نیز به دلیل تلاش در جهت آزاد ساختن فرد از تعلقات مادی به این نام خوانده می‌شود. این دیدگاه تربیتی از دیرباز مورد توجه فلاسفه و متفکران قرار گرفته است و از این رو قدیمی‌ترین مکتب تربیتی محسوب می‌شود (مرجانی، 1384، ص 31).

در مجموع می‌توان گفت دو فیلسوف یونانی، افلاطون و ارسطو به عنوان پایه‌گذاران مکتب لیبرال آموزشی معرفی شده‌اند و شعار معروف این مکتب فلسفی تحصیل دانش برای اعتلای ذهن است. این دانش درصدد جستجوی حقیقت است. پس دانش به خاطر دانش و نقشی که در شکوفایی عقلی دارد، محترم است و از این آموزش‌ها به عنوان آموزش لیبرال یاد شده است.

بیان مسئله

به باور نقیب زاده (1387) فلسفه تربیت می تواند در دو مفهوم به کار رود؛ نخست در معنای ژرف و گسترده که همان روکردن به پرسش‌های بنیادی درباره انسان، تکامل و سرنوشت اوست. بدین معنی هر فلسفه‌ای که تکیه آن بر انسان است، فلسفه تربیت می‌شماریم. اما آنچه فلسفه آموزش و پرورش نامیده می‌شود، بیشتر جنبه‌ای است از فلسفه که به آموزش و پرورش در معنی محدود و رسمی آن می‌پردازد.

صادق‌زاده، کشاورز، حسنی (1388)، فلسفه تربیت را به مثابه محصول تلاش عقلانی آدمی در مورد چیستی، چرایی و چگونگی جریان تربیت می‌دانند و بر این باورند که تاکنون در چند قالب متفاوت ظاهر شده و کمابیش در جهت دهی اقدامات و تدابیر تربیتی مؤثر بوده است:

الف) (فلسفه تربیت) به منزله‌ی نتیجه‌ی ژرف اندیشی فیلسوف تربیتی است که با تأمل در تجارب تربیتی خود و دیگران، نکات بدیع و رهنمودهای ارزشمندی را درباره تربیت آدمی (البته بر اساس دیدگاه و نظام فکری - ارزش خویش) ارائه کرده و آن‌ها را فراروی کارگزاران فکور جریان تربیت قرار داده‌اند.

ب) (فلسفه تربیت) به مثابه‌ی رشته‌ای دانشگاهی در حوزه‌ی علوم تربیتی با سابقه‌ای در حدود یک قرن، که با عرضه مباحث تخصصی گسترده (بر اساس معانی مکاتب و دیدگاه فلسفی متنوع)، جهت تبیین وضع مطلوب و نقد وضعیت موجود جریان تربیت، بر تحولات تربیتی جوامع گوناگون و کیفیت نظام‌های تربیتی بسیاری از کشورهای جهان، تأثیر قابل توجهی گذاشته است.

ج) (فلسفه تربیت) به منزله‌ی برآیند خردورزی و تأمل معلمان و مربیان فکوری، که در اثر تجربه شخصی و بازانندیشی مداوم، بصیرت و درکی حکیمانه از جریان تربیت یافته‌اند.

د) (فلسفه تربیت) به مثابه‌ی محصول توافق فکری جمعی از مربیان مجرب و فکوری که ضمن مشارکت فعال و هماهنگ در اداره شایسته برخی مدارس و موسسه‌های تربیتی موفق - با هم فکری و تضارب آراء، استفاده از خرد جمعی و تأمل در فلسفه تربیتی شخصی خود، همکاران (فلسفه تربیتی خاص آن مدرسه یا موسسه را با تکیه بر مبانی و نظام ارزشی معین) به تدریج سامان داده و با التزام عملی به چنین فلسفه‌ای (در

تعیین اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها) وجوه تمایز فعالیت آن مدرسه یا موسسه تربیتی را مشخص کرده‌اند. ضروری است علاوه بر چهار قالب یاد شده مصداقی دیگر از فلسفه‌ی تربیت به مثابه فلسفه‌ی تربیتی اجتماع تدوین شود تا این نقش معلم را، در هر جامعه‌ای در قالب مجموعه مدون از گزاره‌های معتبر و مدلل ناظر به تبیین و چستی، چرایی و چگونگی جریان تربیت به عهده گیرد، به شکلی که مورد وفاق عموم دست‌اندرکاران جریان تربیت قرار گرفته شود (سند ملی آ و پ، 1388، ص 3 و 2).

باقری (1387)، در پی ترسیم خطوط اصلی فلسفه تعلیم و تربیتی برای جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران متعهد به دین اسلام و متون رسمی آن است، نه نظام فلسفی خاصی از فلسفه‌های اسلامی. این نکته در قانون اساسی نیز نمایان است که اسلام به منزله دین در نظر گرفته شده، نه این که نظام فلسفی معین از فلسفه‌های اسلامی مبنای آن قرار گرفته باشد، چنان که در مقدمه قانون اساسی آمده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی باشد.

براساس رویکرد پژوهش باقری می‌توان با استفاده از فلسفه چون ساختار و روش، برای شکل دادن به فلسفه تعلیم و تربیت در متون اسلامی به جست‌وجو و تفحص پرداخت و آن‌ها را با روش‌ها و ساختارهای مذکور انتظام بخشید و هر آنچه را به این ترتیب به دست می‌آید، مبنای قرار داد و با اتکا به آن‌ها، به بحث و ارائه نظر در مورد مسائل تعلیم و تربیت روی آورد (باقری، 1387، ص 31).

یکی دیگر از دیدگاه‌ها درباره فلسفه تعلیم و تربیت که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، لیبرالیسم آموزشی است. عمر تعلیم و تربیت لیبرال حدوداً به 500 سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. از آن پس اندیشه تعلیم و تربیت لیبرال طی قرن‌ها در سراسر غرب به منظور تربیت شهروند آزاد جریان داشت؛ در حالی که ساختار سیاسی و اجتماعی این تمدن‌ها از دستیابی همه افراد به چنین تربیتی ممانعت می‌کرد و آن را ویژه معدودی از اشراف و بزرگان می‌دانست. تاریخ تعلیم و تربیت غرب گواه آن است که فیلسوفان و مربیان بسیاری در گذشته و همچنین در دوران معاصر تعلیم و تربیت لیبرال را تأیید و از آن حمایت کرده‌اند (مرجانی، 1384، ص 78).

عبارت تعلیم و تربیت لیبرال و هنرهای لیبرال لفظی است که در متون لاتین و یونانی بسیار بکار رفته است و منظور هنرها و علوم یک شخص آزاد و یا تعلیم و تربیت یک شخص آزاد بوده است. تعلیم و تربیت لیبرال عبارت از فرایندی مربوط به فراگیری دانش و در نتیجه رشد و شکوفایی ذهن متریبان جهت کسب مهارت‌ها و فضیلت‌هایی است که او را به سمت یک زندگی خوب و ایده‌آل هدایت نماید. (خالقی، 1379، ص 55) در واقع اولین فیلسوفان این مکتب افلاطون و ارسطو بودند که به برتری این نوع آموزش بر سایر آموزش‌ها اعتقاد داشتند (زیبا کلام مفرد، 1384 الف، ص 27 و 26). به هر حال منشأ تعلیم و تربیت آزاد از یونان نشأت گرفته است. افلاطون و ارسطو بزرگ‌ترین مبلغان و مبشران آن به شمار می‌روند. اگر چه آن‌ها در خصوص بسیاری از مفاهیم بنیادی با هم اختلاف نظر داشتند، لیکن در مورد یک مفهوم اساسی هم رأی بودند و آن این بود که حقیقت یک شیء در تجلی خارجی آن نهفته نبوده، بلکه در مفهوم ذاتی ای که شیء از خود بروز می‌دهد، نهفته است. آن‌ها متفقاً بر این باور بودند که عنصر عقلی ارزشمندترین استعداد آدمی به حساب می‌آید. هنگامی که آدمی این عنصر را به گونه‌ای درست به کار ببرد، به شناخت اصلی اشیا نائل می‌گردد و می‌فهمد چه چیز واقعیت غایی است. (اشرف، 1377، ص 96) در دوران نو میتوآرنولد¹ و نیومن² در قرن نوزدهم به این تفکر گرویدند و در دوره حاضر هم اندیشانی مانند هاجینز³، آدلر⁴، و باییت⁵ در آمریکا و فیلسوفان تحلیلی مانند هرست و پیترز در انگلیس از حامیان آموزش پرورش آزاد هستند (مرجانی، 1384، ص 78). اساسی‌ترین دیدگاه مدافعان آموزش و پرورش آزاد این است که «کسب دانش فی نفسه ارزشمند است» (زیبا کلام مفرد، 1384 الف، ص 27 و 26). آموزش و پرورش آزاد یا لیبرال به دلیل اینکه برای آزاد کردن فرد، از تعلقات مادی تلاش می‌کند، بدین نام نامیده شده است و اهداف آن با لیبرالیسم سیاسی که جان لاک و میل آن را پایه‌گذاری کرده‌اند چه بسا متفاوت است. در لیبرالیسم سیاسی بر فردیت یا فردگرایی، خلاقیت، رقابت برای بروز بهترین استعدادها در زمینه‌های مختلف و نگرش سودجویانه به علم تأکید می‌شود (زیبا کلام مفرد، 1384 ب، ص 159).

¹.Matthew Arnold

².Newman

³.Hachnyz

⁴.Adler

⁵.Babbitt

مهم‌ترین هدف این نوع آموزش، ابتدا آشنایی با ارزش‌ها و ایجاد فضایل در انسان است به گونه‌ای که پایه-ای برای آموزش عقلی و باروری ذهنی باشد. شاید دلیل تأکید فراوان فیلسوفان آموزش و پرورش آزاد این است که پرورش نیروی عقل به وسیله دانش، بدون احساس تعهد به خیر و حقیقت، می‌تواند منجر به سوء استفاده از دانش گردد. در حقیقت آموزش و پرورش آزاد قبل از تربیت علمی و عقلی بر تربیت و تعالی منش تأکید دارد، زیرا از طریق آن هم سلامت فرد و هم جامعه تأمین می‌گردد. باید یادآور شد که ریشه تأکید سقراط و افلاطون بر کسب فضایل و آموزش احساس در واکنش آنان به آراء آموزش سوفسطائیان نهفته بود (زیباکلام مفرد، 1374، ص 104).

نیومن و سایر مدافعان آموزش لیبرال مانند پیترز¹، هرست²، آرنولد³ و بنتاک⁴ فایده زمینه‌های دانشی مانند شعر، ادبیات، تاریخ و به طور کلی علوم انسانی را تقویت نیروی نقد و بصیرت انسان می‌دانند و بر این باورند که این رشته‌ها کمک می‌کند که انسان فرهنگ خود را درک و جایگاه خود را در جهان تعیین کند و نیروی تعقل را در جهت زندگی هوشمندانه اعتلا بخشد. به همین دلیل در هر نظام آموزشی، مطالعات علوم انسانی باید اولویت داشته باشد. به طور واضح چنین افراد فرهیخته از نظر شهروندی نیز وجود آن‌ها برای اجتماع با ارزش‌تر است (زیباکلام، 1384 الف).

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت لیبرال به طور کلی معتقد هستند که عقل تعلیم یافته، عقلی است که نگرشی مرتبط و به هم پیوسته از امور دارد. آن‌ها همچنین بر ویژگی‌هایی مانند، پرورش تفکر انتقادی، عقلانیت یا پرورش ذهن در همه ابعاد، کسب دانش به خاطر دانش، پرورش فرد آزاد، فقدان تبعیض در قانون، تکثرگرایی عقیدتی و همگانی بودن تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند (زیباکلام، 1374، ص 107).

بر چنین زمینه‌ای است که اندیشمندان تعلیم و تربیت لیبرال، عنصر عقل را ارزشمندترین خصیصه انسانی تلقی می‌کنند و بر این باورند که اگر آدمی این عنصر را به گونه‌ای صحیح به کار ببرد، به شناخت واقعی پدیده-ها خواهد رسید و واقعیت نهایی را درک خواهد کرد؛ در واقع انسان می‌تواند به واسطه تجلی‌های ظاهری وجود

¹Peters

²Hirst

³Arnold

⁴Bntak

چیزها به الگوی کلی وجود و درک هماهنگی بین امور مختلف و طرح جامع آن‌ها نایل شود (خالقی، 1379، ص 55).

گوتهک (ترجمه پاک سرشت، 1387) به برخی بنیادهای فلسفی لیبرالیسم آموزشی اشاره کرده است ولی به نظر می‌رسد بنیادهای فلسفی این دیدگاه به طور جامع و عمیق بررسی نشده است. پژوهش حاضر در جستجوی بررسی و تحلیل بنیادهای فلسفی لیبرالیسم آموزشی و مقایسه آن با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است. در حوزه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران سه کار عمده و درخور توجه فلسفی انجام شده است که عبارتند از:

ü فلسفه تعلیم و تربیت رسمی از دیدگاه اسلام (علم الهدی، 1386)؛

ü درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (باقری، 1387)؛

ü فلسفه تربیت رسمی و عمومی (صادق زاده و همکاران، 1388).

این مقایسه با تأکید بر (درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران) باقری (1387) صورت می‌گیرد، گرچه از دو پژوهش دیگر نیز به فراخور نیاز و به ویژه در بخش‌هایی که پژوهش نخست خلاء‌هایی دارد بهره گرفته می‌شود. چنین پژوهشی فرصت مقایسه بنیادهای فلسفی لیبرالیسم آموزشی با فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. مقایسه‌ای که از خلال شناسایی وجوه اشتراک و افتراق این دو دیدگاه رقیب و کاوش در مبانی فلسفی آنها، با هدف فهم دقیق‌تر مواضع و دیدگاه این دو به تربیت صورت می‌گیرد. مقایسه یکی از راهبردهای ارتقای فهم ما درباره تعلیم و تربیت است، به ویژه اگر میان دو دیدگاه بدیل یا رقیب تربیتی صورت پذیرد. دلیل آن نیز روشن است: هر دیدگاه با تکیه بر مفروضاتی که از مبانی متفاوت متافیزیکی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و غیره نشأت می‌گیرد، بر جنبه‌هایی از تربیت تأکید می‌کند، که دیگری از آن غفلت کرده است. از این‌رو، مقایسه دیدگاه‌های بدیل درباره تربیت به ما کمک می‌کند ضعف‌ها و قوت‌هایمان را بهتر مورد مشاهده و تأمل قرار دهیم، و بدین طریق، زمینه را برای نقد، اصلاح و بهبود فراهم کنیم.

اگر بخواهیم کارهای تحقیقاتی مذکور را مورد استناد و تأکید قرار دهیم، متوجه می‌شویم، آنچه به عنوان فلسفه آموزش و پرورش در آنها برجسته می‌نماید، بیشتر جنبه‌ای از فلسفه آموزش و پرورش است که بر آموزش و پرورش در معنی محدود و رسمی آن ناظر است. فلسفه تعلیم و تربیت در این معنا، بیش از هر چیز در پی